

# بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۸

تاریخ تأیید: ۸۸/۲/۱

جلال‌الدین قیاسی \*

## چکیده

گاهی فعل یا ترک فعل واحد، خواه مجرمانه یا غیرمجرمانه، به نتیجه یا نتایج مجرمانه منجر می‌شود. وحدت یا تعدد جرم در حالت مذکور مورد اختلاف حقوقدانان است. برای تحلیل درست مسئله نیازمند تفکیک میان تعدد نتیجه و حالات مشابه مانند جرایم مرتبط، تعدد موضوع یا مجنی علیه و تعدد معنوی هستیم. بحث تعدد نتیجه در جایی است که جرمی مطلق به نتیجه‌ای مجرمانه یا جرمی مقید به نتایج مجرمانه‌ای غیر از آنچه در قانون ذکر شده است منجر شود. رویه قضایی بیشتر به عدم تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه تمایل داشته است. در دیدگاه حقوقدانان، برخی آن را جرم و برخی تعدد معنوی دانسته‌اند و برخی میان حالت‌های مختلف تفکیک قائل شده‌اند؛ یعنی اگر جرم اولیه عمدی باشد و مرتکب بداند یا احتمال غالب دهد که منجر به نتایج گوناگون می‌شود، تعدد مادی است و اگر نتیجه اتفاقی باشد یا عمل اولیه غیرعمدی باشد، در واقع جرم جدیدی رخ نداده است. مقاله حاضر معتقد است تعدد یا وحدت جرم تابع رکن روانی نتیجه مجرمانه است. اگر نتیجه حاصله جرمی عمدی است، فقط در صورتی که مرتکب با فعل نخستین قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد، با جرایم متعدد روبه‌رو هستیم و اگر نتیجه حاصله جرمی غیرعمدی یا با مسئولیت مطلق باشد، ارتکاب فعل اولیه با تقصیر و یا حتی بدون آن نیز می‌تواند به تعدد جرم منجر شود.

واژگان کلیدی: تعدد نتیجه، تعدد معنوی، جرایم مرتبط.

\* استادیار دانشگاه قم (jalalghiasi2001@yahoo.com).

## مقدمه

گاهی انجام عملی مجرمانه یا حتی ارتکاب عملی مجاز، به نتایجی منجر می‌شود که خود عنوان مجرمانه دارد؛ مثلاً سرعت غیرمجاز منجر به تصادف و قتل و جرح چندین نفر شود یا ریختن جوهر بر روی یک سند، باعث سیاه‌شدن دو یا چند سند شود. به دلایلی که بعداً مطرح خواهد شد، حقوق‌دانان در شیوه برخورد کیفری با مجموعه فعل نخستین و نتایج خواسته یا ناخواسته آن، اتفاق نظر ندارند. برخی آن را جرم و برخی فعلی با چند عنوان مجرمانه (تعدد معنوی) دانسته‌اند. برخی نیز با تفصیل شکل‌های گوناگون و لحاظ رکن روانی جرم اولیه، به حل مسئله پرداخته‌اند. مقاله حاضر در صدد است تا نخست از لحاظ موضوعی به تبیین دقیق موضوع پردازد و سپس حل مسئله را از دیدگاه رویه قضایی و دکترین مطرح سازد و در نهایت، راه حل مطلوب را بیان کند.

## ۱. تبیین موضوع و محل نزاع

بحث تعدد نتیجه از فروع بحث تعدد و تکرار در حقوق جزای عمومی است. در ادبیات حقوقی ما تنقیح محل بحث، چندان شرح و بسط نشده است و ابهامات فراوانی در این باره وجود دارد و حتی مثال‌های یاد شده در کتب حقوقی گاهی خارج از موضوع بحث است. بنابراین، قبل از هر چیز باید جایگاه محل نزاع به درستی تبیین شود. در کتب حقوقی برای تعدد نتیجه به این مثال‌ها اشاره شده است: کسی که با سوزاندن یک ساختمان، هم موجب ایجاد حریق شده و هم ممکن است موجب اتلاف سند شود (طاهری‌نسب، ۱۳۸۱: ۱۳۵) یا در نظام حقوقی سابق که تقسیم‌بندی جرایم به قصاص و تعزیرات وجود نداشت و جرم قتل، جرمی علیه نظم عمومی بود، به راننده‌ای مثال زده‌اند که در نتیجه بی احتیاطی باعث تصادف و کشته‌شدن دو نفر می‌شود یا با ریختن جوهر، باعث سیاه‌شدن دو یا چند سند رسمی (مصدق ماده ۵۲۳ ق.ا.م.ا) و غیررسمی (ماده ۵۳۶ ق.ا.م.ا) یا محو کامل مندرجات دو یا چند سند (مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ ق.ا.م.ا) شود یا با گلوله واحد با فرض قصد قتل، دو نفر را بکشد (همان: ۱۳۵)، ولی برای مثال بهتر می‌توان به مسموم کردن آب (ماده ۶۸۸ ق.ا.م.ا) که منجر به تلف و

مسمومیت حیوانات دیگران مثلاً کسانی که ماهی پرورش می دهند (ماده ۶۷۹ ق.م.ا.) و همچنین خشک کردن محصولات دیگری (ماده ۶۸۴ ق.م.ا.) بر اثر مسمومیت اشاره کرد. در این باره نکات ذیل باید مد نظر قرار گیرد:

۱. این بحث درباره جرایم تعزیری و بازدارنده است، نه حدود، قصاص و دیات؛ زیرا در باب حدود، تعدد نتیجه چندان قابل تصور نیست و در باب قصاص و دیات نیز تعدد نتیجه پذیرفته شده است و تابع قواعد خاص خود است و گاهی نیز باعث تعدد حق قصاص و دیات می شود.

۲. فعل اولیه که منجر به نتیجه مجرمانه می شود، لازم نیست ضرورتاً خود عملی مجرمانه باشد؛ به عنوان مثال، چنانچه مسموم کردن آب وصف مجرمانه نداشته باشد، باز این پرسش مطرح است که اگر چنین عملی به تلف کردن و مسمومیت حیوانات دیگری (موضوع ماده ۶۷۹ ق.م.ا.) و خشک کردن محصولات دیگری (موضوع ماده ۶۸۴ ق.م.ا.) منجر شود، آیا ما با دو نتیجه ممنوعه روبه رو هستیم؟ در این حالت چون عمل اول جایز است، آیا اصولاً جرمی اتفاق افتاده است و اگر اتفاق افتاده است، آیا با تعدد مادی روبه رو هستیم یا معنوی؟ اگر عمل اولیه جرم باشد نیز همین پرسش ها درباره نتایج حاصله مطرح است.

۳. در ترتب نتیجه باید بین فعل نخستین و نتایج بعدی رابطه علیت وجود داشته باشد؛ مانند آنچه در مثال های گذشته ذکر شد. بنابراین، آنچه در حکم ۱۳۱۷/۱/۲۷ شماره ۱۰۸۴۶ دیوان عالی آمده است: «اگر در نتیجه عمل جعل، کلاهبرداری هم واقع شده باشد، ترتب این نتیجه منافاتی با ارتکاب جعل ندارد و باعث تعدد جرم خواهد بود» (عبده بروجردی، ۱۳۲۶: ۹۱)، از محل بحث خارج است؛ زیرا چنین حالتی تعدد نتیجه نیست، بلکه دو فعل متعاقب هم هست که توسط مرتکب صورت گرفته است.

۴. اگرچه عنوان بحث، تعدد نتیجه است، ولی در موردی هم که فقط با یک نتیجه روبه رو هستیم، مجدداً بحث تعدد نتیجه مطرح است؛ مانند موردی که حفاری غیرمجاز منجر به تخریب آثار باستانی شود. در واقع بحث بر سر این است که آیا نتیجه فعل اولیه (خواه خود فعل اولیه مجرمانه باشد، خواه مجاز) مجرمانه حساب می شود یا نه؟

۵. تفاوت دو بحث جرایم مقدماتی (جرایم مرتبط) با بحث تعدد نتیجه باید دقیقاً

مد نظر قرار گیرد. در جرایم مقدماتی هر دو فعل با اراده مستقیم مرتکب صورت می‌گیرد؛ مثل کشیدن چاقو و ایراد ضرب و جرح یا خرید مشروب و نوشیدن آن یا قطع درختان جنگلی و حمل آن، در حالی که در تعدد نتیجه پیامدهای مجرمانه، نتیجه قهری عمل نخستین است و فقط عمل نخستین است که با اراده مستقیم فاعل صورت می‌گیرد؛ مثلاً وی حفاری غیرمجاز انجام می‌دهد و در نتیجه باعث تخریب بنای تاریخی می‌شود.

۶. به تفاوت دو حالت «تعدد موضوع» یا «مجنی علیه»<sup>۱</sup> با «تعدد نتیجه» نیز باید توجه شود. در واقع بین دو حالت پیش‌گفته رابطه عام و خاص مطلق وجود دارد؛ یعنی در تعدد نتیجه همواره تعدد موضوع یا مجنی علیه وجود دارد، چون به‌طور طبیعی در هر جرمی موضوع و مجنی علیه خاصی وجود دارد و اگر جرم متعدد شود، موضوع نیز متعدد می‌شود؛ مثلاً اگر کسی با مسموم کردن آبها باعث مرگ حیوانات و نابود کردن درختان شود، ولی در حالت اول (تعدد موضوع یا مجنی علیه)، همواره چند نتیجه وجود ندارد و ما با چند حادثه و چند عنوان مجرمانه روبه‌رو نیستیم؛ مانند آنکه کسی با گفتن یک جمله به ده‌ها نفر توهین کند یا با انفجار بمبی در یک حادثه، چندین ماشین را نابود می‌سازد. به عبارت دیگر، در تعدد موضوع یا مجنی علیه فقط یک عنوان مجرمانه وجود دارد، در حالی که در تعدد نتیجه تحقق چند عنوان مجرمانه امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، در حالت اول، دو موضوع یا دو مجنی علیه متعدد در عرض یکدیگرند، در حالی که در بحث تعدد نتیجه، دو جرم حاصله در طول یکدیگر و برخی ناشی از دیگری هستند؛ مثلاً ممکن است کسی با انفجار بمبی چندین ماشین را نابود سازد و مرتکب جرم تخریب شود. در چنین حالتی تخریب ماشین‌ها معلول یکدیگر نیست، در حالی که در مثال مسموم کردن آبها و مردن ماهی‌ها و از بین رفتن درختان، حوادث بعدی معلول مسموم کردن آبهاست.

نکته دیگر اینکه گاهی خود قانون از موضوع جرم با لفظ جمع یاد می‌کند؛ مثلاً

۱. مثل مسمومیت ماهی‌های متعدد در ماده ۶۷۹ ق.م.ا. یا مسمومیت افراد متعدد در ماده ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب سال ۱۳۴۶ یا تعدد افراد ربوده شده در جرم آدم‌ربایی (ماده ۶۲۱ ق.م.ا.).

تحریک رزمندگان<sup>۱</sup> یا اموال تاریخی<sup>۲</sup>. در چنین مواردی چون لفظ به شکل جمع در قانون ذکر شده است، پس تعدد موضوع دلیل بر تعدد جرم نیست، ولی جایی که متن قانون درباره موضوع، مفرد است؛ مانند ماده ۶۸۵ ق.م.ا. (هرکس اصله نخل خرما ... را قطع کند) یا ماده ۶۳۶ درباره مخفی کردن جسد مقتول<sup>۳</sup>، آیا تحقق موضوعات متعدد در خارج، جرم را متعدد می‌کند؟ پاسخ منفی است؛ زیرا این مسئله از بدیهیات رویه قضایی است که چنانچه شخصی در زمان واحد، ده اصله خرما را قطع کند، هرگز عمل وی جرایم متعدد محسوب نخواهد شد.

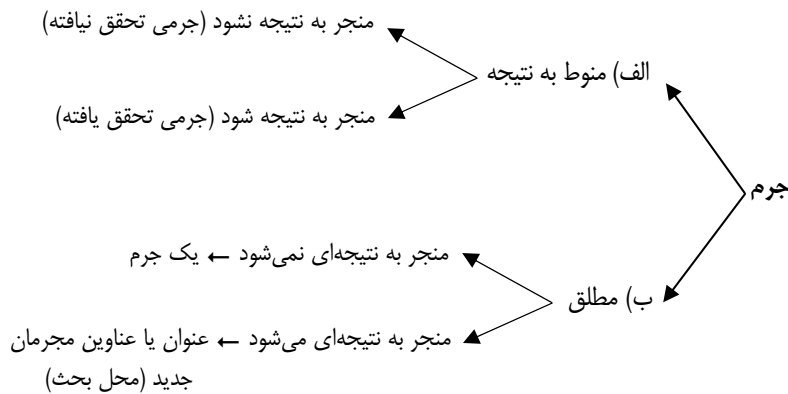
نکته‌ای که باید در این باره مد نظر قرار گیرد اینکه تعدد موضوع هنگامی که در زمان واحد صورت گیرد جرم واحد تلقی می‌شود، ولی چنانچه در زمان‌های متعدد صورت گیرد، با توجه به عرف و عادت و رویه قضایی، متعدد خواهد بود. رأی شماره ۱۳۴۷-۲۹/۶/۱-شعبه ۲ ناظر به همین امر است:

اختلاف زمان و مکان در بزه‌های انتسابی، شرط تعدد بزه است و این امر از دلایل موجود در پرونده باید اثبات شود. بنابراین، اگر کسی مرتکب جعل چهل و یک فقره حواله صندوق باشد، صرف اینکه آنها با تواریخ مختلف و در وجه اشخاص متعدد است، بزه را نمی‌شود متعدد تشخیص داد، بلکه از دلایل دیگر باید اثبات شود که صدور آنها در زمان و مکان متعددی بوده است (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۳).

۷. تعدد معنوی نیز با تعدد نتیجه تفاوت دارد؛ زیرا در تعدد معنوی، پیش‌فرض آن است که ما با یک فعل روبه‌رو هستیم، ولی در تعدد نتیجه این امر خود محل بحث است. علاوه بر این، در تعدد معنوی رابطه علیت بین فعل واحد و عناوین متعدد وجود ندارد، ولی در تعدد نتیجه چنین رابطه‌ای وجود دارد.

۱. ماده ۵۰۴: «هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد مجازب محسوب می‌شود...».
۲. ماده ۵۶۲: «هرگونه حفاری و کاهش به قصد به‌دست آوردن اموال تاریخی و فرهنگی ممنوع است و مرتکب، به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیای مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود».
۳. ماده ۶۳۶: «هرکس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرایم‌اند خیر دهد، آن را دفن کند، به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد».

۸. در صورتی که فعل اولیه مجرمانه باشد، براساس تقسیم‌بندی جرایم به مطلق و مقید، حالات ذیل درباره آن متصور است:



حالت اخیر یعنی موردی که جرم مطلق منجر به نتیجه‌ای مجرمانه شود، محل بحث تعدد نتیجه است؛ مانند آنکه شخصی به تصرف عدوانی ملک دیگری (موضوع ماده ۶۹۲ قانون ق.م.ا.<sup>۱</sup>) اقدام کند و این کار به از بین رفتن نخل‌های خرماي باغ وی (موضوع ماده ۶۸۵ ق.م.ا.)<sup>۲</sup> منجر شود.

علاوه بر این، در نمودار مذکور ممکن است جرم منوط به نتیجه، در خارج منجر به نتیجه‌ای که در قانون ذکر شده است، نشود، ولی به نتایج دیگری برسد. در اینجا چنین فعلی حکم جرم مطلق را دارد که منجر به نتیجه‌ای خواسته یا ناخواسته می‌شود و طبیعتاً داخل در بحث است، ولی اگر جرم مقید، منجر به همان نتیجه‌ای شود که در قانون ذکر شده است، ما با یک جرم بیشتر روبه‌رو نیستیم و بحث تعدد نتیجه منتفی است؛ مانند آنکه کسی به حفاری غیرمجاز در حریم آثار فرهنگی

۱. ماده ۶۹۲: «هرکس ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند، علاوه بر رفع تجاوز، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

۲. ماده ۶۸۵: «هرکس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع کند، به سه تا شش ماه حبس یا از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

(موضوع ماده ۵۶۰ ق.ا.م.ا.)<sup>۱</sup> اقدام کند و منجر به تخریب اماکن مذکور (موضوع ماده ۵۸۸ ق.ا.م.ا.)<sup>۲</sup> شود. در اینجا چون تخریب حاصله، در ضمن ماده ۵۶۰ لحاظ شده است و شرط قانونی تحقق آن به شمار می‌رود، ما با جرم جدیدی (ماده ۵۸۸) روبه‌رو نیستیم. البته اگر عمل اولیه به نتایج فراتر از نتیجه قانونی منجر شود، در این صورت نیز ما با بحث تعدد نتیجه روبه‌رو خواهیم بود.

## ۲. رویه قضایی

رویه قضایی سابق ایران، تعدد نتیجه را جرم می‌دانسته است؛ مثلاً شعبه دوم در رأی ۲۰/۱۲/۸۷۳-۷۳ این‌گونه حکم کرده است: اگر کسی بر اثر بی‌احتیاطی مرتکب قتل و جرح گردد، همان بی‌احتیاطی است و در این مورد تعدد نتایج موجب تعدد عمل نخواهد بود (بাহری، ۱۳۸۰: ۴۲۸).

همانند این حکم در رأی شماره ۳۸/۱۰/۱۲-۵۱۹ ذکر شده است.

حکم شماره ۱۷-۱۸۷۷-۱۳۱۹ شهریور ۱۳۱۹ دیوان [ظاهراً شعبه است]:

تعدد نتایج باعث تعدد عمل نخواهد شد. بنابراین، دخالت در منازعه منتهی به وقوع قتل و جرح، بدون معلوم‌بودن شخص مرتکب، عمل متعددی نیست (عبده بروجردی، ۱۳۲۶: ۶۲).

رأی اصراری ۱۳۳۰/۰۹/۲۶-۴۱۶۵:

در رانندگی، تعدد نتایج (مثل اینکه در آن واحد باعث قتل و جرم چند نفر شده باشد)

۱. ماده ۵۶۰: «هرکس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارده، به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود».

۲. ماده ۵۸۸: «هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی - تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیا، لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورده، علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود».

موجب تعدد جرم نیست.

باید توجه داشت که در زمان صدور این احکام، قانون قصاص و دیات حاکم نبود و جرم قتل و جرح غیر عمدی مانند دیگر جرایم، مشمول بحث تعدد نتیجه می‌شد. رأی شماره ۲۰۸۹-۱۳۲۹/۸/۲۳ شعبه ۵:

تصادف در شبکه با دو نفر و فوت یکی و مجروح شدن دیگری، فعل واحدی است دارای دو عنوان که برابر ماده ۳۱ [ماده ۴۶ فعلی ق.ا.م.]<sup>۱</sup> مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است. متعدد دانستن این عمل و تعیین دو مجازات و رعایت ماده ۲ الحاقی، باعث نقض دادنامه است (حسینی، ۱۳۸۵: ۸۲).

رأی شماره ۲۲۳-۱۳۲۳/۱۲/۲۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور:

اگر کسی ضربه‌ای به کسی وارد سازد که در نتیجه دفعتهاً جرحی به زیر چشم مجنی علیه وارد شده و دندان او نیز بیفتد، در این مورد عرفاً یک عمل محسوب می‌شود، اگرچه آثار متعددی از آن حاصل شده باشد (همان: ۶۹).

رأی اصراری شماره ۶۲۳۷-۱۳۴۲/۱۲/۲۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور:

قتل غیر عمدی ناشی از اشتغال به شغل مامایی، بدون اینکه دارای مجوز باشد، فعل واحدی محسوب می‌شود که دارای عناوین متعدد جرم است (همان: ۶۹).

رأی شماره ۲۴۳۲-۲۹/۹/۲۰ شعبه ۸ دیوان عالی:

ازالۀ بکارت (ماده ۲۰۷ قانون کیفر) و مبتلا کردن به سوزاک (ماده ۹ قانون جلوگیری از بیماری‌های واگیر) فعل واحدی است دارای دو عنوان (همان: ۸۲).

هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی ۳۴-۶۰/۸/۳۰ درباره ترک انفاق زن و فرزند گفته است:

نظر به اینکه نفقه زن و اولاد واجب‌النفقه که زندگی مشترک دارند، معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هریک از آنان پرداخت می‌شود، ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه شوهر در چنین حالتی ترک فعل واحد محسوب می‌شود و مستلزم رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی [ماده ۴۶ ق.ا.م.] است و آثار و نتایج متعدد فعل واحد، موجب

۱. ماده ۴۶: «در جرایم قابل تعزیر، هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد است.»



اعمال مقررات مربوط به تعدد جرم نخواهد بود (بنکدار، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

ولی کمیسیون حقوقی اداره حقوقی دادگستری در سال ۵۷ در این باره نظر مخالف داده است و آن را تعدد دانسته است؛ زیرا:

عمل متهم، فعل واحدی که دارای عناوین متعدد باشد تلقی نمی‌شود و ترک انفاق زن یک عنوان بیشتر ندارد و ترک انفاق اولاد واجب‌النفقه در قانون بیش از یک عنوان ندارد. بنابراین، مردی که دو زن دارد نسبت به هر دو ترک انفاق کرده و مرتکب دو جرم شده است. همچنین مردی که نسبت به زن خود و اولاد واجب‌النفقه ترک انفاق کرده، مرتکب دو جرم شده است (کشاوری، ۱۳۷۸: ۷۵).

به نظر می‌رسد اصلاً مسئله ترک انفاق زن و فرزند یا دو زن، دو ترک فعل است، نه دو نتیجه ناشی از فعل واحد. بنابراین، نظریه اداره حقوقی صحیح است و مسئله خارج از محل بحث تعدد نتیجه است. اگرچه تعدد نتیجه در ترک فعل هم متصور است، ولی جایی که یکی از دیگری زاییده شود؛ مثلاً شخصی کشور را ترک نکند و در نتیجه نتواند وظیفه خود را که ترک آن وظیفه نیز جرم است، به موقع انجام دهد.

### ۳. دکترین و مسئله تعدد نتیجه

گارو معتقد است این یک جرم است، چون یک فعل است. معمولاً علت اینکه تعدد نتیجه را یک جرم دانسته‌اند آن است که مجرم فقط مرتکب یک فعل شده است؛ به عنوان مثال، گارو می‌نویسد:

جرم یک فعل است؛ یعنی حرکت برای تغییر در محیط خارج هرگاه یک فعل بیشتر نباشد، یک جرم بیشتر نخواهد بود. پس وحدت فعل نسبت به نتیجه، استقلال دارد. ممکن است نتایج عدیده‌ای از فعل واحد به وجود آید. چنان‌که یک بی‌احتیاطی ممکن است منتهی به چندین قتل شود (گارو، ۱۳۴۴، ج ۳: ۲۶۳).

برخی دیگر به این مسئله اشاره کرده‌اند:

شاید تحلیل حقوقی این امر آن باشد که در این موارد، عنصر مادی فعل یکی است و اگر بنا باشد جرم را متعدد تلقی کنیم، یک عنصر مادی را در چند جرم تسری داده‌ایم و در واقع بعضی جرایم فاقد عنصر مادی بوده است (الهام، ۱۳۷۶: ۹).

برخی از حقوقدانان نیز تعدد نتیجه را تعدد اعتباری دانسته‌اند (پیمانی، ۱۳۷۴: ۱۷ و شامبیاتی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۵۷). در تحلیل مسئله گفته شده است:

گاهی مرتکب جرایم متعدد شده است، در صورتی که چنین نبوده و عمل وی مشمول تعدد اعتباری جرم خواهد بود. در این مورد در قانون مجازات ایران چیزی دیده نمی‌شود، ولی به نظر می‌رسد این امر با عنایت به اصول حاکم بر حقوق جزا و اصل تفسیر شک و تردید به نفع متهم و خصوصاً رویه قضایی مشکلی را ایجاد نکرده و در ردیف تعدد معنوی قرار می‌گیرد (باهری، ۱۳۸۰: ۴۳۶).

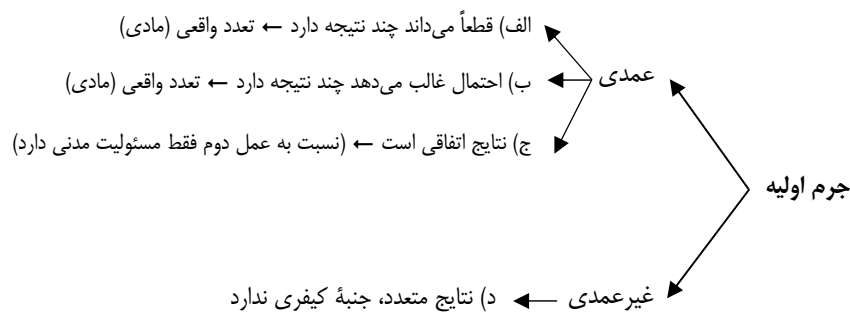
سپس در همین کتاب به رأی وحدت رویه شماره ۳۴ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۶۰/۸/۳۰ در این باره استناد شده است،<sup>۱</sup> ولی همین نویسنده در جای دیگری تعدد نتیجه را از مصادیق جرم مرکب دانسته است و اشاره می‌کند: تیراندازی با تفنگ ساچمه‌ای در میان جمعیت که باعث چند قتل شود، جرم مرکب است؛ زیرا از عمل واحد چند جرم به وقوع پیوسته است (همان: ۳۵۹).

به نظر می‌رسد تعدد نتیجه، تعدد اعتباری نیست، چون بحث اصلی در آن است که ما با یک فعل روبه‌رو هستیم یا چند فعل؟ ممکن است گفته شود تعدد نتیجه، تعدد اعتباری وجود یک فعل است.

برخی با رد تعدد اعتباری، به راه حل دیگری یعنی تفکیک میان جرایم عمدی و غیرعمدی بدین شرح اشاره کرده‌اند: اگر عمل اولیه عمدی باشد و مرتکب نسبت به وقوع نتایج متعدد یقین داشته باشد یا احتمال غالب بدهد، تعدد واقعی (مادی) است و در صورتی که عمل اولیه و نتایج حاصله دو جرم مختلف باشند، حکم آن جمع مجازات‌هاست، ولی در حالتی که نتایج حاصله اتفاقی باشد؛ مثلاً کسی را بکشند و از بچه داخل شکمش بی‌اطلاع باشد یا اطاقی را آتش بزنند و بعداً معلوم شود در آن، اسناد

۱. کتاب آقای باهری پیش از انقلاب اسلامی نوشته شده است و در چاپ مورد استناد این مقاله (۱۳۸۰)، ناشر کتاب مطالبی را به‌عنوان شرح و ضمیمه به آن افزوده است، هرچند اسم شارح ذکر نشده است. به هر حال رأی مذکور عبارت است از: «نظر به اینکه نفقه زن و اولاد واجب‌النفقه که زندگی مشترک دارند، معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هریک از آنان پرداخت می‌شود، ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه شوهر در چنین حالتی ترک فعل واحد محسوب و مستلزم رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی [ماده ۴۶ ق.ا.م.] است و آثار و نتایج متعدد فعل واحد باعث اعمال مقررات مربوط به تعدد جرم نخواهد بود» (بنکدار، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

رسمی هم بوده و او نمی دانسته است،<sup>۱</sup> نسبت به عمل دوم فقط مسئولیت مدنی دارد (و در قتل و ضرب و جرح دیه دارد) و در صورتی که عمل اولیه غیر عمدی باشد، نتایج حاصله جرم نخواهد بود؛ مثلاً اگر بی احتیاطی در رانندگی باعث قتل چند نفر شود، چند حبس تعزیری ندارد (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۱۴۲). خلاصه دیدگاه پیش گفته را در نمودار زیر می توان نشان داد:



۱۴۴

حقوق اسلامی / بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه

## نتیجه و پیشنهاد

به نظر می رسد بیش از توجه به رکن روانی در جرایم اولیه، توجه به رکن روانی در جرم ثانوی کلید حل مسئله باشد. ارتکاب جرم نخستین ممکن است خود به شکل عمدی یا ناشی از تقصیر باشد. بنابراین، حل مسئله را در دو صورت پی می گیریم:

الف) اگر فعل نخستین عمدی باشد و به قصد ایجاد نتایج متعدد باشد، چرا نتایج حاصله را جرایم جدیدی ندانیم؟ درست است که نتایج حاصله به شکل غیرمستقیم ایجاد شده است، ولی مستقیم یا غیرمستقیم بودن عمل، تأثیری در نتیجه مسئله ندارد. درست است که مسئله تسببت غالباً حول محور موضوعاتی در باب جرایم علیه تمامیت جسمانی مانند قتل و دیگر خسارت های بدنی و یا مسئولیت مدنی شکل گرفته است تا آنجا که بسیاری بدین نکته تصریح کرده اند (Allen, 2007: 34)، ولی باید توجه داشت که مسئله علیت، مسئله ای عام است و از جهت منطق حقوقی، اختصاصی به قتل و یا

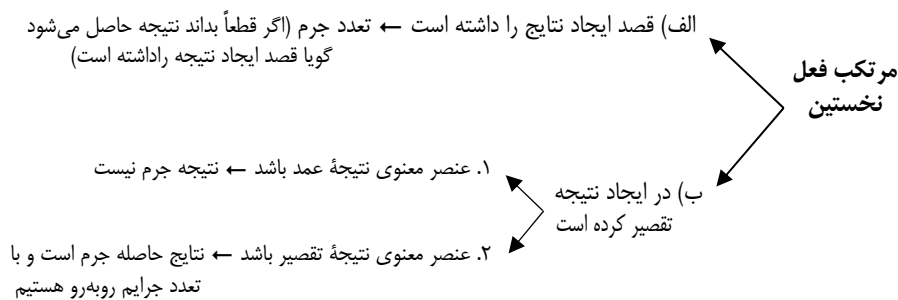
۱. البته درباره نتیجه حاصله اگر آن نتیجه موضوع جرم غیر عمدی باشد، می توان گفت با دو جرم روبه رو هستیم؛ مثلاً اگر تخریب ناشی از بی احتیاطی هم جرم باشد، به طریق اولی می توان گفت تخریب ناشی از فعل عمدی نیز جرم است.

ضرر و زیان مالی ندارد (نجیب‌حسینی، ۱۳۸۵: ۴۵)، چنان‌که فقهای اسلام در باب سرقت، هنگامی که سرقت با هدایت فردی بالغ ولی توسط کودک یا حیوانی دست‌آموز صورت گیرد، اشاره کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱: ۴۸۷). پذیرش مسئولیت فاعل معنوی در حقوق جزای عمومی در حقوق عرفی نیز نمونه دیگری است که نشان می‌دهد مسئله تسبیت اختصاصی به خسارت‌های مالی و بدنی ندارد؛ زیرا در همه سیستم‌های حقوقی دنیا جرمی که به وسیله کودک دیوانه یا جاهل با تحریک و تعلیم شخص عاقل و بالغی صورت می‌گیرد، به شخص عاقل بالغ استناد داده می‌شود و او را فاعل معنوی جرم می‌دانند. این مسئله که در واقع یکی از شکل‌های تسبیت و همان حالت سبب اقوای از مباشر در حقوق کیفری ماست، اختصاص به جرایم علیه تمامیت جسمانی ندارد و درباره همه جرایم صادق است. بنابراین، چنان‌چه مرتکب عمل نخستین با ارتکاب آن، قصد ایجاد نتایج حاصله را داشته باشد، به‌طور مسلم نسبت به همه پیامدهای عمل خویش مسئولیت کیفری دارد؛ مثلاً وی عمداً به حفر چاهی اقدام می‌کند تا شخصی به درون آن سقوط کند و ماشین وی تخریب شود یا عمداً آب را مسموم می‌کند تا منجر به اتلاف حیوانات شود. در اینجا فرقی نمی‌کند که عنصر معنوی جرم حاصله عمد باشد یا تقصیر؛ زیرا متهم قصد ایجاد نتیجه دارد و چنین قصدی هر دو صورت جرایم عمدی و غیرعمدی را دربرمی‌گیرد. حال این بحث نیز مطرح می‌شود که چون یک جرم مباشرتاً حاصل شده است (جرم اولیه) و دیگری (نتیجه یا نتایج حاصله) تسبیتاً، آیا تعدد حاصله تعدد مادی است و شخص باید به مجازات هر دو جرم محکوم شود یا چون شخص یک عمل بیشتر انجام نداده است، تعدد حاصله معنوی است و باید به مجازات اشد محکوم شود؟

در پاسخ می‌توان گفت ما در اینجا با دو جرم روبه‌رو هستیم و قاعده تعدد مادی حاکم است؛ زیرا مورد پیش‌گفته با تعدد معنوی تطابق ندارد، چون در تعدد معنوی فقط یک عمل مجرمانه در خارج تحقق می‌یابد، ولی در اینجا جرایم مختلف و ضررهای متعدد در خارج واقع شده است. نهایت اینکه برخی از آنها مباشرتاً و برخی تسبیتاً رخ داده است. از سوی دیگر، در تعدد معنوی فعل واحد از همان ابتدا تحت دو عنوان قرار می‌گیرد، ولی در تعدد نتیجه معمولاً میان فعل و نتیجه آن فاصله زمانی وجود دارد.

به لحاظ منطق حقوقی نیز جمع مجازات‌ها امری موجه به نظر می‌رسد؛ زیرا وی می‌دانسته است علاوه بر ضرری که با فعل نخستین خود ایجاد می‌کند، عملش نتایج گوناگونی به دنبال خواهد آورد. به لحاظ عینی نیز ضررهای متعددی زده است و از لحاظ روانی هم وی قابل سرزنش است که قصد ایجاد جرایم گوناگون را داشته است. اما اگر وی نسبت به وقوع نتایج حاصله تقصیر کرده باشد (احتمال وقوع حادثه را می‌داده است، ولی بی‌توجهی کرده است)، باید دید عنصر معنوی نتیجه چیست. اگر عمد باشد، با توجه به اینکه وی در ایجاد آن تقصیر داشته است، نتیجه حاصله، جرم به حساب نمی‌آید. بنابراین، سخن برخی از حقوقدانان که گفته‌اند اگر احتمال وقوع نتیجه غالب باشد، وی مرتکب دو جرم شده است، چندان موجه نیست (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۱۴۲)؛ زیرا جرم عمدی را با رکن روانی تقصیر نمی‌توان محقق ساخت. به عنوان مثال، اگر کسی آب سد را مسموم کند و احتمال قوی وجود داشته باشد که در پایین‌تر از سد، ماهی‌ها نیز خواهند مُرد، چون رکن روانی جرم مسموم کردن حیوانات متعلق به دیگری (ماده ۶۷۹ ق.م.ا.)، عمد است، ما با دو جرم روبه‌رو نیستیم، در حالی که بنا بر نظر کسی که احتمال غالب را باعث تحقق جرم می‌دانست، ما با دو جرم روبه‌رو هستیم.

در پایان، صورت‌های مختلف مسئله را به شکل نمودار ذیل می‌توان نشان داد:



ب) چنانچه جرم اولیه در اثر تقصیر رخ داده باشد، به طور مسلم نمی‌تواند باعث تحقق جرایم ثانویه عمدی شود؛ مثلاً براساس ماده ۵۰۶ ق.م.ا.:  
چنانچه مأموران دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده هستند و

به آنها آموزش لازم داده شده است، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند.

در صورتی که بر اثر این تخلیه اطلاعاتی، نتایج مجرمانه‌ای تحقق یابد که رکن معنوی آن عمد است، به‌طور مسلم وی در خصوص آنها مجرم شناخته نخواهد شد، ولی در صورتی که رکن معنوی نتایج حاصله تقصیر باشد، وی به دو جرم غیر عمدی که یکی را به مباشرت و یکی را به تسبیب انجام داده است، باید محکوم شود؛ مانند آنکه فرضاً رکن معنوی جرایم مسموم کردن آب و مسموم کردن حیوانات تقصیر باشد<sup>۱</sup> و مرتکب احتمال قوی می‌دهد ماده‌ای را که در رودخانه یا سد رها می‌کند، سمی باشد و ممکن است بر اثر آن، حیوانات نیز مسموم شوند و به‌رغم چنین احتمالی پساب خانه یا کارخانه خود را در رودخانه یا سد رها کند، در چنین حالتی وی به هر دو جرم محکوم خواهد شد؛ زیرا رکن مادی و معنوی هر دو جرم را محقق کرده است. تفاوت تفصیل حاضر با تفصیل پیشین در اینجا نیز آشکار می‌شود. بنا بر تفصیل پیشین، چون جرم اولیه عمدی نبوده است، نتایج حاصله جنبه کیفری ندارد، ولی با توجه به تفصیل حاضر که رکن روانی جرم ثانوی را مد نظر قرار می‌دهد، چنان‌که در مثال بالا دیدیم (در حالتی که رکن روانی جرم ثانوی تقصیر باشد)، نتایج حاصله جنبه کیفری دارد و با دو جرم غیر عمدی روبه‌رو هستیم؛ به‌عنوان مثال، چنان‌که کسی با بی‌مبالاتی باعث آتش‌سوزی در جنگل (موضوع بند ه ماده ۱۳ قانون شکار و صید)<sup>۲</sup> شود و بر اثر آن، اموال مردم دچار تخریب و آتش‌سوزی شود، با فرض آنکه تخریب یا آتش‌زدن اموال مردم در حال تقصیر نیز جرم باشد، شخص، مرتکب دو جرم غیر عمدی شده است.

۱. در حال حاضر در دو ماده ۶۸۸ و ۶۷۹، رکن معنوی دو جرم فوق عمدی است.

۲. ماده ۱۳: «هرکس مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار (۱۸۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال و در صورت تکرار، به هر دو مجازات محکوم می‌شود ...

ه - ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش‌سوزی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت شده یا پناهگاه‌های حیات وحش بر اثر بی‌مبادلاتی یا عدم رعایت مقررات محیط زیست و یا تخلف از نظامات دولتی».

## منابع

۱. الهام، غلامحسین؛ مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، تهران: بشری، ۱۳۷۶.
۲. باهری، محمد و میرزا علی اکبر خان داور؛ نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰.
۳. پیمانی، ضیاءالدین؛ بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم: مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۴.
۴. حاجتی، سیدمحمد و مجتبی باری؛ قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، تهران: ۱۴۷ میثاق عدالت، ۱۳۸۴.
۵. حسینی، سیدمحمد رضا؛ قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۵.
۶. رحیمی اصفهانی، عباسعلی، مصطفی سلیمانی و مهدی روحانی؛ مجموعه جرایم و مجازات‌ها، تهران: ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۷.
۷. شهیدی، موسی؛ موازین قضایی محکمه عالی انتظامی از نظر تخلف اداری، تهران: علمی، چاپ سوم، [بی تا].
۸. طاهری نسب، سیدیزدالله؛ تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، تهران: دانشور، ۱۳۸۱.
۹. عبده بروجردی، محمد؛ اصول قضایی جزایی دیوان عالی کشور، تهران: کتابفروشی محمدعلی علمی، ۱۳۲۶.
۱۰. کشاورز، بهمن؛ مجموعه محشای قانون تعزیرات، تهران: گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۱۱. گارو، زنه؛ مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، مترجم: سیدضیاءالدین نقابت،

تهران: ابن سینا، ۱۳۴۴.

۱۲. مصلاحی، علیرضا؛ قانون مجازات اسلامی در آرای دیوان عالی کشور، تهران: ادبستان، ۱۳۷۹.

۱۳. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام، ج ۴۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۱۴. نجیب حسینی، محمود؛ رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم: سیدعلی عباس نیای زارع، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

15. Allen, Michael; **Textbook on Criminal Law**, 9<sup>th</sup> ed., New York: Oxford, 2007.